

### تاریخچه دیوان محاسبات به بهانه انتصاب رئیس جدید

عضویت در دیوان محاسبات مستلزم داشتن مدرک تحصیلی لیسانس و حداقل ۱۵ سال سابقه خدمت رسمی دولتی که دو سال آن در سمت مدیرکلی یا مستشاری دیوان محاسبات بود، ۲۰ نفر از اعضای دیوان محاسبات در هر دوره مجلس از بین ۴۰ نفر افراد واجد شرایط که وزیر دارایی معرفی می‌کند، انتخاب می‌شوند. دادستان دیوان محاسبات هم به‌عنوان نماینده دولت از بین مستخدمین رسمی وزارت دارایی که حداقل لیسانس و ۱۵ سال سابقه خدمت داشته باشند، توسط وزیر دارایی انتخاب می‌شد. پس از پیروزی انقلاب به دلیل لزوم سرعت در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آنها که با وجود مراحل متعدد و پیچیده موجود در قانون محاسبات عمومی عملاً ناممکن می‌نمود شورای انقلاب وزارت دارایی را مأمور کرد تا قانون موجود را بررسی و در جهت تسهیل امور مالی و محاسباتی پیشنهادهای لازم را ارائه کند. بررسی‌های انجام‌شده منجر به تهیه پیش‌نویس قانون جدیدی شد که بعد از ارائه به هیئت وزیران با مخالفت اکثر وزرای وقت مواجه شد و مجدداً کمیسینی در نخست‌وزیری متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های ذی‌ربط تشکیل شد و لایحه جدیدی را تهیه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کردند. تفکر حاکم بر تهیه‌کنندگان این لایحه جدید حذف مراحل و ضوابط متعدد و پیچیده و اعتماد به مدیران منتخب جمهوری اسلامی جهت پیشبرد سازندگی کشور بوده و تهیه‌کنندگان لایحه بر این باور بودند که قانون محاسبات عمومی و قانون دیوان محاسبات دور از واقعیت اجرایی بوده و مانع بروز ابتکارات و خلاقیت‌ها و شجاعت‌های مدیریتی خواهد شد و صرفاً حاکمیت مدیران محتاط و مطیع و فاقد جسارت کاری را در رأس کارها طلب خواهد کرد که با اصول سازندگی انقلابی مورد نیاز مغایرت دارد و مراحل متعدد کنترل در سطوح مختلف اداری به‌ویژه در مورد اموال دولتی و انواع حسابرسی‌ها موجب تورم بافت تشکیلاتی دولت و فراموشی اهداف اصلی و ایجاد افزایش بار مالی دولت خواهد بود. با تصویب قانون اساسی اصل ۵۴ قانون اساسی مقرر شد: دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی است و طبق اصل ۵۵ قانون اساسی دیوان محاسبات به تمامی حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی و حسابرسی و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌کنند. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

در رژیم گذشته دیوان محاسبات به‌عنوان بازوی دولت به کار گرفته و وابسته به وزارت دارایی شد. در سال ۵۲ براساس قانون جدید دیوان محاسبات به‌صورت یک سازمان وابسته به وزارت دارایی درآمد ولی قانون اساسی جمهوری اسلامی دیوان محاسبات را مستقیماً تحت نظر مجلس قرار داد. این تصور که با مقررات خشک و دست‌وپاگیری می‌توان جلوی زدنی‌ها را گرفت، تصویری نادرست است و پیچیدگی‌های قانون محاسبات و قانون مدیران محاسبات این تمایل در دستگاه‌های اجرایی حاکم کرد که عملیات مالی و محاسباتی آنها خارج از قانون محاسبات عمومی انجام گیرد. پیش از ۵۰ درصد بودجه‌ از قانون محاسبات مستثنا است در سال ۱۳۶۱ قانون دیوان محاسبات کشور به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در ماده یک این قانون هدف دیوان محاسبات را اعمال کنترل و نظارت مستمر مالی به‌منظور پاسداری از بیت‌المال پیش‌بینی کرد و براساس قانون رئیس و دادستان دیوان محاسبات کشور به پیشنهاد کمسیون دیوان محاسبات و بودجه مجلس شورای اسلامی و تصویب نمایندگان ملت انتخاب می‌شود و برکناری رئیس و دادستان دیوان محاسبات هم با پیشنهاد کمیسیون و تصویب نمایندگان انجام می‌گیرد و در نهایت قانون محاسبات عمومی در سال ۱۳۶۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در ماده ۱۰۴ این قانون دیوان محاسبات مکلف شد با بررسی حساب‌ها و اسناد و مدارک و تطبیق با صورت‌شمار عملکرد سالانه بودجه کشور نسبت به تهیه تفریغ بودجه سالانه اقدام و هر سال گزارش تفریغ بودجه سال قبل را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم و هر نوع تخلف از مقررات این قانون را رسیدگی و به هیئت‌های مستشاری ارجاع دهد و قانون اصلاح قانون دیوان محاسبات در ۵/۲۰/۱۳۷۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده پیش‌بینی شده که استفاده رسمی اشخاص در دیوان محاسبات از طریق امتحان با سابقه و مصاحبه و گزینش انجام می‌گیرد و طبق ماده ۱۲ قانون فوق‌الذکر دادستان دیوان محاسبات هم‌تراز استاندار و رئیس دیوان محاسبات هم‌تراز وزیر تشخیص و حقوق و مزایای آنان برابر حقوق و مزایای مقامات مزبور تعیین و پرداخت می‌شود. انتخاب مهرداد بذریان یکی از پرچاشه‌پزترین انتخاب‌ها توسط مجلس بوده است؛ چنانچه در تبصره یک ماده ۵۱ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی پیش‌بینی شده رئیس دیوان محاسبات تا ۲۰ سال سابقه خدمت داشته باشد.

**ادامه از صفحه ۴**

**شرق:** کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ پروژه‌ای نافرجام برای سرنگونی دولت محمد مصدق بود که با طراحی و پشتیبانی مالی سازمان مخفی اطلاعات بریتانیا و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا و با فرمان محمدرضا پهلوی، شکل گرفت که با شکست روبرو شد. نقشه کودتا با همکاری بریتانیا و آمریکا طرح شد و پس از چندبار بازبینی و رایزنی با مقامات اصلی به تصویب رسید. نقشی که برای شاه در نظر گرفته شده بود، امضای فرمان برکناری مصدق و نیز امضای فرمان گماشتن سیهبد زاهدی به جایگاه نخست‌وزیری بود. اشرف پهلوی که به درخواست مصدق به خارج از کشور رفته بود، با مقامات آمریکایی و انگلیسی در سوئیس دیداری داشت و سپس با استفاده از نام خانوادگی شوهرش با ایران بازگشت و در مدت کوتاهی که فرصت داشت، شاه را در جریان طرح کودتا گذاشت و با آشکارشدن حضورش دوباره ناچار به خروج از کشور شد. شاه پس از تردهای نخستین، به امضای فرمان‌ها رضایت داد. بعدها روشن شد که شاه درواقع دو ورقه سفید را امضا کرده بود تا کودتاگران آنچه لازم است بر بالای امضای او بنویسند.

کودتای ۲۵مرداد۱۳۳۲ به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شده بود که شایسته نام کودتا باشد، این کودتا تمام ویژگی‌های یک کودتای کلاسیک را داشت و از ماه‌ها قبل به دقت تدارک دیده شده بود. کودتا، ابتدا توسط انگلیس‌ها تحت عنوان عملیات چکمه به رهبری وود هاوس سر جاسوس انگلیسی، تدارک دیده شده و پس از پیوستن آمریکا به نقشه کودتا و دخالت سیا، تحت عنوان عملیات آژاکس، مشترکاً روی آن کار شد. سپس در ایران با عوامل کودتا مورد بررسی دقیق زمینی قرار گرفت و به دست گارد شاهنشاهی مجهز به تانک و مسلسل و بدون اطلاع دربار به ایران برگشته به ۲۵ مرداد برنامه‌ریزی شده بود. قرار بود با انجام آن در نیمه‌شب، سحرگاه مردم تهران و شهرستان‌ها با حکومت نظامی و دولت سرلشکر زاهدی، سراسر خواب بلند کنند. افسران سازمان نظامی حزب توده ایران که عضو گارد شاهنشاهی بودند، خبر این کودتا را ازطریق شبکه حزبی به حزب توده ایران می‌رسانند. سرهنگ میشیری، دبیر سازمان نظامی حزب توده ایران، با جزئیات ازطریق تلفن طرح کودتا را به آگاهی مصدق می‌رساند و این چنین کودتا ختنی می‌شود. اما آیا واقعاً اشرف از آمدنش به ایران قصد داشت در کار دولت ملی مصدق خللی ایجاد کند؟ و آیا سفر او به ایران یک تصمیم شخصی اشرف بود یا تدارکی ویژه برای کودتای ۲۵ مرداد محسوب می‌شد؟

**ماجرای به ایران آمدن اشرف**

یکشنبه چهار مردادماده۱۳۳۲(روزنامه اطلاعات دو خبر نخست خود را به بازگشت غیرمنتظره و البته غیرقانونی اشرف پهلوی به ایران اختصاص داد. در کنار این خبر نیز کادری دیگر به اعلامیه دربار شاهنشاهی اختصاص داده شده بود؛ اعلامیه‌ای که نشانگر دستپاچی دربار برای این ورود ناگهانی و هراس شاه از واکنش دکتر مصدق به آن است. متن اعلامیه به این شرح است: «نظر به اینکه والاحضرت اشرف پهلوی بدون اجازه از پیشگاه مبارک همایونی و بی‌اطلاعی قبلی دربار شاهنشاهی دیروز اسبوم مرداد ۱۳۳۲] بعدازظهر به‌وسیله هواپیمای به تهران وارد شدند، با کسب اجازه از پیشگاه مبارک همایونی به معظم‌الیه‌ا ابلاغ شد که فوراً از ایران خارج شوند و از این پس نسبت به هریک از افراد خاندان جلیل

سلطنت که رعایت تشریفات و مقررات مربوط به وزارت دربار که بستگی به حیثیت مقام شاخم سلطنت دارد، ننماید با سخت‌ترین ترتیب عمل به‌دستور دکتر مصدق از ایران اخراج شده‌اند.آن هم به اتهام سنگین کارشکنی و دخالت در امور مملکت و بیشتر بابت شائبه‌هایی مبنی‌بر در کار بودن دست این دو در روی‌کارآمدن قوام که منجر به قیام خونین ۳۰ تیر ماه ۳۱ شد.

پس از گذشت یک سال، اشرف پهلوی بدون کسب اجازه از دولت و بدون اطلاع دربار به ایران برگشته بود و بعید نبود این اقدام او منجر به برآشفتن نخست‌وزیر پرتطرفدار نهضت ملی می‌شد. برای همین هم دربار بلافاصله با انتشار اعلامیه فوق‌الذکر از این موضوع اعلام برائت کرد.

**دلایل ظاهری بازگشت به ایران**

خبرنگار اطلاعات احتمال داد که برخی مقامات دولتی و وزارت خارجه از این سفر مطلع باشند؛ چراکه «در این قبیل موارد که افراد خاندان سلطنتی بخواهند به ایران مراجعت کنند، از طرف نمایندگی سیاسی ایران که باید وزای ورود به ایران را بدهد از وزارت امور خارجه کسب تکلیف می‌شود و بعد وزیا داده می‌شود و با توجه به اینکه ورود والاحضرت اشرف به تهران با هیچ‌گونه اشکالی از قبیل نداشتن وزیا یا اجازه ورود و… مواجه نشده است؛ بنابراین می‌توان حدس رد که مقامات دولتی از این موضوع مطلع بوده‌اند.»

به نوشته روزنامه اطلاعات اینـ مقامات مطلع درباره چرایی این سفر نیز توجیهاتی دارند: «مقامات مطلع… علت اطلاع دولت [از این سفر] را چنین توجیه می‌کنند که والاحضرت از چند سال قبل مبلغ پنج‌میلیون ریال به بانک کشاورزی بدهکار بوده که این مبلغ با منفععی که بر آن اضافه شده و زیان‌های دیگرند و… اکنون به شش‌میلیون ریال رسیده است. گویا اقداماتی از طرف بانک برای اخذ وجه مذکور به عمل آمده و والاحضرت اشرف برای فروش قسمتی از املاک و مستغلات خود و تأدیه قرض بانک کشاورزی با اطلاع دولت بهـ ایران آمده و به‌زودی پس از تهیه

## سیاست

مصدق برای بار دوم اشرف را مجبور به خروج از کشور کرد

## نقش اشرف پهلوی در کودتای ۲۵ مرداد



مقدمات امر و ترتیب کار خود به پاریس مراجعت خواهد کرد و به همین مناسبت بیلط هواپیمای والاحضرت اشرف دوسره است».
اما روایتی که کیهان، مورخ چهارم مرداد ۳۲، درباره علت بازگشت اشرف به کشور از زبان خود اشرف در ملاقات با امینی به دست می‌دهد، با آنچه روزنامه اطلاعات به نقل از چند مقام مطلع نوشته، مغایرت است. اشرف به امینی می‌گوید: «من قصد خاصی از آمدن به ایران ندارم. فقط امدام از محل فروش اموال مبلغ ۲۰هزار دلار تهیه کنم و برای معالجه فرزندم که مدت‌هاست مبتلا به سل استخوانی است و در سوئیس بستری است و اخیراً هم بیماری‌اش شدت یافته بریم. وضع مزاجی پسرم وخیم است و اطبای معالج نظر داده‌اند که بیماری او در ظرف چندماه در یکی از بیمارستان‌های نیویورک قابل علاج است و این کار هم ۲۰ هزار دلار خرج دارد».

پس از گذشت یک سال، اشرف پهلوی بدون کسب اجازه از دولت و بدون اطلاع دربار به ایران برگشته بود و بعید نبود این اقدام او منجر به برآشفتن نخست‌وزیر پرتطرفدار نهضت ملی می‌شد. برای همین هم دربار بلافاصله با انتشار اعلامیه فوق‌الذکر از این موضوع اعلام برائت کرد.
**دلایل ظاهری بازگشت به ایران**

همان‌طور که شاه تصور می‌کند، واکنش دکتر مصدق به این ماجرا کاملاً قاطعانه و بی‌روبراپیستی بود. او در ملاقات با امینی می‌خواهد که اشرف هرچه سریع‌تر ایران را ترک کند. بعد هم بلافاصله به سرهنگ اشرفی، فرماندار نظامی، دستور می‌دهد که شخصاً اشرف پهلوی را ملاقات و جریان را به او ابلاغ کند. بنا بر گزارش اطاعت سرهنگ اشرفی ساعت یک بعدازظهر به ملاقات اشرف می‌رود و دستور دکتر مصدق را به او ابلاغ می‌کند، ولی اشرف «به‌عنوان اینکه به مینم خویش وارد شده و کسی نمی‌تواند مزاحم او شود، از پذیرفتن ابلاغیه خروج از ایران امتناع» می‌کند. سرهنگ اشرفی موضوع را به اطلاع آقای نخست‌وزیر می‌رساند.

نخست‌وزیر بلافاصله دستور به قطع تلفن‌های عمارت شامپور اعلام‌رضا که اشرف در آن اقامت دارد، می‌دهد که او نتواند با بیرون تماس بگیرد. عده‌ای سرباز را نیز از فرمانداری نظامی برای محافظت در اطراف محل اقامت او اعزام می‌کند. سپس مجدداً در تماسی تلفنی با امینی بر موضوع خروج اشرف از ایران تأکید و به او امر می‌کند که اشرف باید هرچه زودتر ایران را ترک کند؛ خواه حاضر به قبول این امر بشود یا نشود». همچنین و حتی می‌گویند که اعلامیه‌ای که دربار ایران در تهیه گذرنامه اشرف پهلوی را به‌سرعت فراهم کند. ساعت پنج بعدازظهر امینی برای دومین بار با نخست‌وزیر ملاقات و برای سومین بار راجع به

بازگشت اشرف پهلوی با او مذاکره می‌کند. نتیجه این ملاقات این است که در بعدازظهر همین روز اشرف پهلوی ایران را ترک کند، برای همین هم گذرنامه او تا ساعت شش عصر آماده می‌شود اما هواپیما جای خالی ندارد و پرواز به چهارشنبه، ششم مرداد، موکول می‌شود. در نهایت خواهر دوقلوی شاه در ساعت شش‌ونیم بعدازظهر پنج‌شنبه هشتم مرداد ۱۳۳۲ با هواپیمای ا.ا. اس تهران را در مقصد ژنو ترک می‌کند؛ و به‌این‌ترتیب پنج روز پرتالهباب برای دربار با این پرواز به پایان می‌رسد.

**روایت روزنامه آلمانی از حضور ناگهانی اشرف در ایران**

اما در این بین توجه به مطلب مجله خواندنی‌ها به تاریخ سه‌شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۳۲ که ترجمه مطلب یک روزنامه آلمانی است، خالی از لطف نیست. یک روزنامه آلمانی در همان زمان نوشته بود: «مصدق و اشرف به‌قدری از یکدیگر متنفرند که اگر دست‌شان برسد، حاضرند سر یکدیگر را به دست خود ببرند؛ لیکن هنوز بخت و اقبال و جریانات سیاسی دراین‌باره کمترین مساعدتی با اشرف ننموده است و این مصدق است که هر روز به نحوی دشمن خود را زجر می‌دهد… در هفته گذشته اشرف بدون اینکه به دستورات دربار ایران و مصدق درباره خود واقعی بگذارد، ناگهان به تهران آمد. درباره علت این اقدام او مطالب زیادی در ایران گفته می‌شود؛ لیکن قدر مسلم این است که خواهر شاه ایران تنها برای معالجه فرزندش پول نمی‌خواست، زیرا اگر واقعاً برای معالجه فرزند پول می‌خواست، این پول را از همان کسانی که در پاریس با او آشنا هستند به اعتبار خود و یا خانواده سلطنتی می‌توانست قرض کند. درحال‌حاضر اشرف مبلغ یک میلیون تومان به پول ایران به یک نفر بازرگان مکزیکی بدهکار است که در کازینوی جلیل‌کان که اشرف اغلب به آنجا می‌رود در پای میز زولت آن را باخته است؛ بنابراین مراجعت پنهانی اشرف که این همه مصدق و شاه را عصبانی نمود که حتی اشرف را با تمام اصراری که نه نموده به ملاقات برادر خود موفق نساخت، علاوه بر تهیه پول برای مخارج ایران را ترک کند. بعد هم بلافاصله به سرهنگ اشرفی، فرماندار نظامی، دستور می‌دهد که شخصاً اشرف پهلوی را ملاقات و جریان را به او ابلاغ کند. بنا بر گزارش اطاعت سرهنگ اشرفی ساعت یک بعدازظهر به ملاقات اشرف می‌رود و دستور دکتر مصدق را به او ابلاغ می‌کند، ولی اشرف «به‌عنوان اینکه به مینم خویش وارد شده و کسی نمی‌تواند مزاحم او شود، از پذیرفتن ابلاغیه خروج از ایران امتناع» می‌کند. سرهنگ اشرفی موضوع را به اطلاع آقای نخست‌وزیر می‌رساند.

نخست‌وزیر بلافاصله دستور به قطع تلفن‌های عمارت شامپور اعلام‌رضا که اشرف در آن اقامت دارد، می‌دهد که او نتواند با بیرون تماس بگیرد. عده‌ای سرباز را نیز از فرمانداری نظامی برای محافظت در اطراف محل اقامت او اعزام می‌کند. سپس مجدداً در تماسی تلفنی با امینی بر موضوع خروج اشرف از ایران تأکید و به او امر می‌کند که اشرف باید هرچه زودتر ایران را ترک کند؛ خواه حاضر به قبول این امر بشود یا نشود». همچنین و حتی می‌گویند که اعلامیه‌ای که دربار ایران در تهیه گذرنامه اشرف پهلوی را به‌سرعت فراهم کند. ساعت پنج بعدازظهر امینی برای دومین بار با نخست‌وزیر ملاقات و برای سومین بار راجع به

### برگزاری جشن سی‌امین سالگرد پیروزی ایران در جنگ، در خانه موزه آیت‌الله رفسنجانی

## علی مطهری: هاشمی متوجه عقده‌های صدام شده بود

علی مطهری در جریان سخنرانی در مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶

پایان‌دادن به جنگ، از جان و آبروی خود گذشت». فرزند به تأکید بر اینکه رسیدن به خواسته بزرگ ما در جنگ در سال‌های ۶۶ و ۶۷، واقعاً غیرممکن بود، افزود: «درست است که مالک اشتر در خط مقدم در جواب پیام حضرت علی می‌گوید کمی دیگر اجازه بدهید؛ ولی تصمیم ادامه‌ای با پایان جنگ، با مالک نیست. همه ما در روز قطع‌نامه گریه می‌کردیم. هر انسان بغیرتی آن روز برایش خیلی سخت گذشت. امام هم فرمودند جام زهر بود ولی این سختی هم بخشی از همان ایثار دوران دفاع بود و آقای هاشمی در جنگ این را به‌خوبی به ظهور رسانده. او روز بازگشت صدام به قطع‌نامه الجزایر را یکی از روزهای موفقیت‌آمیز دوران جنگ دانست و گفت: «امروز با دردتس بودن این سند که با سیاست خوب جمهوری اسلامی بعد از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ تحت رهبری مقام معظم رهبری و با تأکتیک‌های آقای هاشمی به دست آمد، تکلیف ما و دولت عراق روشن است. هرچند آتما هنوز به صورت کامل از این قرارداد تبعیت نمی‌کنند؛ اما باید این راه را ادامه داد و آنها را به تبعیت کامل وادار کرد تا حقی را که در سند به دست آورده‌ایم، در زمین نیز عملی کنیم».

**نامه‌های صدام را باید در بوق و کرنا کنیم**

سردار حسین علانی نیز در این مراسم، روز بازگشت صدام به قرارداد ۱۹۷۵ را روز بسیار مهمی دانست و تأکید کرد: «ما باید نامه‌ها و دستخط صدام را در عراق و کشورهای عربی، منتشر کنیم و بدانیم که کارمان با عراق تمام نشده و باید طلب خود را بگیریم». او گفت: «جنگ برای پایان، به تصمیم‌گیران بیشتر متکی است تا به رزمندگان. رزمندگان با آفریدن پیروزی‌های میدانی شرط لازم پایان جنگ هستند؛ ولی شرط کافی نیستند. خاتمه جنگ، نیازمند راهبرد عملیاتی است. علانی افزود: «در جنگ ما دو راهبرد مطرح بود: در راهبرد نخست برخی نظامیان معتقد بودند ما باید تا سلفاطکردن صدام بجنگیم و امروز نیز تأکید دارند اگر به ما امکانات می‌دادند، می‌توانستیم این کار را بکنیم. این حرف قشنگی است؛ اما باید دید حتی اگر صدام را ساقط می‌کردیم و به بغداد هم می‌رسیدیم، آیا ادامه این راه از نظر اجرایی برای ما ممکن بود؟». او دومین راهبرد مطرح در جنگ را راهبرد آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی خواند و گفت: «ایشان معتقد بود ما با دست برتر در میدان و با انجام یک کار بزرگ نظامی، می‌توانیم ازطریق دیپلماتسی جنگ را تمام کنیم». علانی ادامه داد: «نظام در برابر نامه صدام نکفت که او دشمن است و نباید به

**رئیس قوه قضائیه:**

### شوراها باید دژ محکمی در برابر فساد و کج‌فهمی‌ها باشند

● **ایسنا:** رئیس قوه قضائیه در اجلاس عمومی شورای عالی استان‌ها با تأکید بر اینکه عقلائیت باید بر امور شهر و آبادی حاکم شود، گفت: شوراها و اعضای آن باید دژ محکمی در برابر فساد و کج‌فهمی‌ها باشند. این دژ باید سدی در برابر هر کجی باشد که بخواهد حقوق عامه را ضایع کند. حجت‌الاسلام ابراهیم رئیسی ادامه داد: شوراها در این جهت باید همکار همه بخش‌ها در کشور باشند و در مقابل زیادی‌خواهی، رانت‌خواری و فساد ایستادگی کنند. از این حیث، شوراها همکار دستگاه قضائی محسوب می‌شوند. او ادامه داد: شوراها در شهر و روستا برای افرادی که می‌خواهند حرکت قانون‌مند کنند، باید مامن باشند و افرادی که می‌خواهند تخلف کنند، اولین سد را باید شوراها بدانند. شوراها تشکیل شده‌اند تا حافظ حقوق مردم باشند و به‌عنوان عامل توسعه و پیشرفت شهر قلمداد شوند. ما امیدواریم همه دستگاه‌ها، به‌ویژه شوراها، کار خود را به‌درستی انجام دهند تا نوبت به قوه قضائیه و ورود به مسائل نرسد. ما می‌خواهیم شوراها خود مدعی هرگونه تخلف باشند و در این جهت نه‌فقط همکار که خط مقدم مبارزه با تخلف باشند، قطعا شورایی که بر اساس قانون حرکت می‌کند و در مقابل تخلفات می‌ایستد، حتما مورد حمایت دستگاه قضاست.»

### اداره حقوقی مجلس به نیابت از قالیباف اقدام کرد شکایت از میرسلیم و ۳ خبرنگار

● **شرق:** ماجرای افشاشگری مصطفی میرسلیم علیه محمدباقر قالیباف به شکایت و شکایت‌شده رسیده و پای سه فعال رسانه‌ای نیز در آن باز شده است. سایت مشرق به نقل از کانال تلگرامی «روزناس» نوشته که معاونت حقوقی مجلس اتهامات وارده‌اشه ازسوی میرسلیم، نماینده تهران و برخی فعالان رسانه‌ای علیه رئیس مجلس را پیگیری حقوقی می‌کند. این کانال نوشته است: «براساس این قرار است تا برای جلوگیری از مخدوش‌شدن جایگاه حقوقی ریاست مجلس شورای اسلامی، از افراد زیر که در روزهای گذشته در فضای مجازی اتهامات بی‌اساسی را علیه رئیس قوه مقننه مطرح کردند، بی‌ثباتی صورت بگیرد تا اسناد ادعاهای خود را در دادگاه ارائه دهند. باشار سلطانی، صدراعظمی و وحید اشتری سه فعال رسانه‌ای هستند که باید در دادگاه پاسخ‌گو باشند. همچنین از مصطفی میرسلیم نیز به‌دلیل نشر اکاذیب و تشویش اذهان، شکایت شده است». اسفند سال ۹۵ بود که مجلس دهم طرح تحقیقوتفحص از عملکرد شهرداری تهران را که قالیباف بر مسند ریاست آن بود، در واگذاری املاک و پروژه‌ها به اشخاص حقیقی و حقوقی در دستور کار قرار داد؛ اما با رأی مخالف نمایندگان مطرح کرد که دلیل رأی‌ناوردن این تحقیقوتفحص به‌خاطریک رشوه ۶۵میلیاردی بوده است. میرسلیم گفته بود: «همه مدارک را به دستگاه قضائی ارجاع دادم‌ام و پیگیری‌ها از جانب آنها انجام می‌شود. اصل موضوع به تحقیقوتفحص زمان حضور قالیباف در شهرداری برمی‌گردد. وقتی تحقیقوتفحص در مجلس دهم رأی نمی‌آورد، شهردار وقت از اینکه چنین موضوعی رأی نیابورد، تشکر می‌کند. موضوع تحقیقوتفحص مسئله‌ای نیست که از انجام‌شدنش ناراحت یا از انجام‌نشندش خوشحالی صورت گیرد. باید طبق بررسی مشخص شود که چه خدمات شایسته‌ای صورت گرفته است. طبق اسنادی که دارم، نشان می‌دهد رایزنی‌هایی پشت‌پرده صورت گرفته که این تحقیقوتفحص انجام نشود و رد شود». همین سخنان باعث شد تا دستیار سیاسی قالیباف خبر دهد که از میرسلیم شکایت شده است. سعید احدیان در تویییت نوشت: «معنی ندارد چون کسی را جدی نمی‌گیرند. برای دیده‌شدن یک روز با بی‌بی‌سی مصاحبه کن و روزی دیگر تهمت بزنند. مسئولان قضائی در حال پیگیری تهمت‌های ناروای از میرسلیم به رئیس و برخی دیگر از نمایندگان مجلس هستند. منتظر اعلام نتیجه فوری دستگاه قضائی هستیم».
بالبین‌حال در هفته گذشته، سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرد که در حال بررسی گزارشی است که میرسلیم برای قوه قضائیه فرستاده است، غلامحسین اسماعیلی گفت که رسیدگی‌ها شروع شد و حتی یک نماینده سابق مجلس نیز بازداشت شده است. او گفته بود: «هنوز ماهیت و جزئیات موضوع روشن نشده است و مطمئن باشید ما در رسیدگی‌ها آنچه از تخلفات به‌دست‌مان

برسد، رسیدگی خواهیم کرد و حتما رسیدگی خواهد شد. رئیس قوه قضائیه گفته‌اند پرونده زیرمیزی نداریم و همه پرونده‌ها روی میز است؛ اما نتیجه پرونده نیازمند رسیدگی‌های قضائی است و نتیجه آن به سمع مردم خواهد رسید. موضوعی که هنوز رسیدگی نشده، به جای پرداختن در رسانه با اعتماد به ما اجازه دهند در دستگاه قضائی رسیدگی شود». نکته اینجاست که این ماجرای ادعایی میرسلیم برای زمانی است که قالیباف شهردار تهران بوده و اینکه معاونت حقوقی مجلس این شکایت را مطرح کرده، جای تعجب دارد. حال باید دید شکایت رئیس مجلس از نماینده تهران به کجا خواهد رسید و در نهایت سرنوشت سیاسی کدام‌یک از آنها در ماجرای این پرونده تغییر می‌کند.